

کتاب نمبر
۲۸۸



دانشکده اصول الدین
USUL AL DEEN COLLEGE



جمهوری اسلامی ایران
وزارت معارف، تحقیقات و فناوری

دانشکده اصول الدین

پایان نامه کارشناسی ارشد
رشته: علوم قرآن و حدیث

موضوع:

آسیب شناسی تفسیر قرآن در حوزه ظاهر گرای

استاد راهنما:

حجة الاسلام والمسلمین دکتر «ولی الله نقی پور»

استاد مشاور:

حجة الاسلام والمسلمین «اکبر میر سپاه»

نگارنده:

علی اسعدی

نیمسال دوم - سال تحصیلی ۷۸-۷۹

بیتالی

۲۸۸

این پژوهش با استفاده

از تسهیلات و اعتبارات مالی

شورای تحقیقات اداره کل

آموزش و پرورش استان قم

انجام گرفته است.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سپاس

خداوند را سپاس می‌گوییم که توفیق بهره‌مندی از دانش و بینش اساتید گرانقدری که هر یک اسوه علم و تقوی بودند عطایم فرمود؛ برخورد لازم میدانم از زحمات و سخاوتمندیهای علمی اساتیدم تشکر نمایم:

✽ حضرت آیه الله علامه «سید مرتضی عسگری» (دام ظلّه) که چون پدری مشفق به ارشادمان پرداختند و با همت و افرتنان زمینه تحصیلمان را فراهم آوردند.

✽ استاد بزرگوارم «حضرت حجة الاسلام والمسلمین دکتر «نقی پور» که راهنمایی حقیر را در امر پژوهش بر عهده گرفتند.

✽ استاد بزرگوار «حضرت حجة الاسلام والمسلمین «میرسپاه» که مشاوره این رساله را تقبل فرمودند.

نیز از زحمات مسئولین محترم و اساتید گرانقدر دانشکده اصول الدین قم، مسئولین محترم کتابخانه‌های مرکز فرهنگ و معارف قرآن، کتابخانه تخصصی ادیان و مذاهب، کتابخانه تخصصی علوم قرآن، تخصصی حدیث، تخصصی تاریخ اسلام، سپاسگذاری میکنم و توفیق و بیروزی آن عزیزان را از خداوند مسألت مینمایم.

فهرست مطالب

۱	پیشگفتار
۲	طرح تحقیق
۲	الف: بیان موضوع
۳	ب: وجه انتخاب موضوع
۴	ج: پیشینه تحقیق در این موضوع
۴	د: محدودیتهای تحقیق
۴	ه: روش تحقیق

فصل اول: اصول و قواعد اساسی در تفسیر قرآن

۷	مقدمه:
۷	الف) شناخت جایگاه قرآن
۱۸	ب) قواعد و اصول لازم برای تفسیر قرآن
۲۳	منابع تفسیری
۲۳	(۱) قرآن:
۲۴	(۲) سنت:
۲۸	(۳) عقل:

فصل دوم: آشنایی با فرقه‌های ظاهرگرا

مقدمه:

۱-

* * * (۱) فرق ظاهرگرا در اهل سنت

۲-

(۱-۱) نام عمومی فرقه‌ها

۳-

(۱-۱-۱) اهل حدیث:

۴-

(۱-۱-۲) مشبهه و مجسمه

۵-

(۱-۱-۳) معطله

۶-

(۱-۱-۴) حشویه

۷-

(۱-۱-۵) جبریه

۸-

(۱-۱-۶) مفوضه

۹-

(۲-۱) نام اختصاصی فرق

۱۰-

(۲-۱-۱) جهیمیه

۱۱-

(۲-۱-۲) مرجئه

۱۲-

(۲-۱-۳) خوارج

۱۳-

(۲-۱-۴) ظاهریه

۱۴-

(۲-۱-۵) کرامیه

۱۵-

(۲-۱-۶) اشاعره

۱۶-

(۲-۱-۷) ماتریدیه

۱۷-

(۲-۱-۸) ابن تیمیه

۱۸-

(۲-۱-۹) وهابیت

۱۹-

* * * (۲) فرقه‌های ظاهرگرا در شیعه

۲۰-

۷۳	(۲-۱) غلات
۷۶	(۲-۲) اخباریه

فصل سوم: نمودهای ظاهرگرایی

۸۳	مقدمه:
۸۳	(۱) ظاهرگرایی در بحث از در صفات خبری
۸۴	الف) پذیرش معنای ظاهری الفاظ
۹۵	ب) اندیشه تعطیل در صفات خبری
۹۷	(۲) ظاهرگرایی در بحث از ایمان
۱۰۵	(۳) ظاهرگرایی در بحث از عصمت
۱۱۴	نقدی کلی بر دیدگاههای مطرح شده در زمینه عصمت
۱۲۰	نمودهای دیگری از ظاهرگرایی

فصل چهارم: ریشه‌ها و عوامل ظاهرگرایی

۱۲۹	(۱) ریشه‌های روانی ظاهرگرایی
۱۳۰	(۲) ریشه‌های فکری
۱۳۰	(۲-۱) جمود فکری و تنگ نظری
۱۳۴	(۲-۲) جهل
۱۳۵	(۲-۳) تعصب و حب افراطی نسبت به عقیده
۱۳۹	(۲-۴) تقلید و سلفیگری
۱۴۷	(۲-۵) ظاهرگرایی عکس العمل عقل گرایی افراطی

۱۵۱	ریشه‌های سیاسی
۱۵۱	(۳-۱) منع تدوین و نقل حدیث
۱۵۴	(۳-۲) جدایی قرآن از عترت
۱۵۶	(۳-۳) اسرائیلیات
۱۶۶	(۳-۴) پیدایش مذاهب کلامی و تشابه‌گرایی
۱۶۶	(۴) ریشه‌های محیطی
۱۶۷	(۴-۱) محیط فرهنگی
۱۷۰	(۴-۲) محیط اجتماعی و سیاسی

فصل پنجم: شبهات ظاهرگرایان

۱۷۶	(۱) استناد به روایات نهی از تفسیر به رأی
۱۷۸	(۲) تفسیر عقلی مستلزم اعتماد به ظن است
۱۸۰	(۳) تبیین آیات بر عهده رسول خدا است
۱۸۲	(۴) جامعیت قرآن ما را از عقل بی‌نیاز می‌کند
۱۸۶	(۵) خطا پذیری عقل در برابر یافته‌های دینی
۱۹۰	(۶) استناد به آیه ۷ آل عمران
۱۹۱	(۷) عدم حجیت ظواهر قرآن

فصل ششم: آثار ظاهرگرایی

۱۹۴	مقدمه:
۱۹۴	(۱) خشونت در افکار و برخوردها

۱۹۸	۲) خمود و سستی و پذیرش وضع موجود
۲۰۰	۳) کرچک کردن عظمت خدا و انبیاء الهی
۲۰۱	۴) اجتهاد در برابر نص
۲۰۱	۵) هدر رفتن نیروهای مسلمین
۲۰۲	۶) توهم نقصان شریعت
۲۰۳	۷) قول به تحریف قرآن
۲۰۳	۸) عقب ماندگی و دوری از علم و پیشرفت
۲۰۴	* نتیجه گیری
۲۰۴	چند پیشنهاد
۲۰۴	منابع و مآخذ

پیشگفتار

قرآن، کتاب هدایت و سند جاودانه دین مبین اسلام است، نازل شده تا آدمیان را از ظلمات به نور سوق دهد اما آنانکه مصداق «فی قلوبهم مرض» و «فی قلوبهم اکنه» اند هیچگاه سر تسلیم بر هدایت آن فرود نیارند و سعی در خاموش کردن این نور الهی می نمایند. از جمله ابزارهای آنان برای نیل بدین مقصود دور کردن مسلمین از حقیقت و عمق معانی قرآن است و بر ماست که با شناخت درست قرآن این توطئه را خنثی کنیم.

ما معتقدیم دو آسیب جدی در ساحت فهم و تفسیر قرآن وارد شده یکی ظاهرگرایی افراطی و دیگر تأویل گرایی افراطی است که عدم توجه به هر یک از این دو آسیب راه فهم صحیح از قرآن را با چالش مواجه میکند. آنچه در این نوشتار به آن پرداخته ایم حوزه اول یعنی ظاهرگرایی است چرا که این مسأله کمتر مورد توجه علمی پژوهندگان معارف دینی، قرآنی واقع گشته است.

این رساله در یک مقدمه و شش فصل تنظیم شده است که در فصل اول به مبانی استنباط از قرآن پرداختیم چرا که بدون استوار کردن مبانی فهم قرآن به نقد دیدگاههای تفسیری دیگران پرداختن خطاست. در فصل دوم به بررسی فرقه های ظاهرگرا پرداختیم و سعی بر آن بوده که فرقه های مطرح و قابل ذکری که نظریاتی در این زمینه داشته اند مورد توجه قرار گیرد و از ذکر فرقه هایی که جز نامشان باقی نمانده و نظریه قابل توجهی نداشتند خودداری کردیم چه آنکه بسیاری از این فرق

ساخته فکر ارباب ملل و نحل بوده، سعی در تکثیر آنها داشتند.

در فصل سوم، جلوه‌ها و نمودهایی از ظاهرگرایی را با استناد به منابع تفسیری آورده‌ایم و در این بحث نیز هدف اثبات سطحی نگری آنان بوده از این رو به ذکر همه نمودهای ظاهرگرایی آنان پرداخته نشده است. در فصل چهارم به ریشه‌های شکل‌گیری و تداوم ظاهرگرایی اشاره شده که بعضی از آنها نقش ایجابی و بعضی نقش تثبیتی داشته است.

در فصل پنجم نظر به شبهاتی شده که فرقه‌های ظاهرگرا گرفتار آن شده‌اند در این فصل علاوه بر ارائه شبهات به نقد و تحلیل آن‌ها پرداخته‌ایم

در فصل ششم نیز به جهت تکمیل بحث گوشه‌ای از آثار و نتایج ظاهرگرایی را مورد بحث قرار دادیم. که تفصیل آن نیازمند به نوشتاری مستقل در این زمینه است.

« طرح تحقیق »

(الف) بیان موضوع:

موضوع این نوشتار «آسیب‌شناسی تفسیر قرآن در حوزه ظاهرگرایی» است.

مراد ما از «ظاهرگرایی» عقل‌گریزی و جمود بر ظواهر آیات و روایات تفسیر قرآن است. اگر چه در اغلب موارد ۲ مؤلفه عقل‌گریزی و جمود بر ظواهر قرین یکدیگر بوده‌اند اما گاه فرقه‌هایی از ظاهرگرایان عقل را پذیرفته لیکن از آن بعنوان ابزاری جهت جمود بر ظواهر بهره جستند. این موضوع نگاهی به فرقه‌های ظاهرگرا در تفسیر قرآن و شناخت ریشه‌های شکل‌گیری آنان، شبهات و اجمالی از آثار ظاهرگرایی دارد.

(ب) وجه انتخاب موضوع

انگیزه اولیه این نوشتار را فصلنامه «پژوهشهای قرآنی» در شماره‌ای که به موضوع «پژوهشهای

بایسته قرآنی، اختصاص داده بود^(۱)، ایجاد کرد که از جمله این موضوعات، مسأله ظاهرگرایی در فهم قرآن بود.

با توجه به اینکه ظاهرگرایی در تاریخ اسلام، تفکر طیف وسیعی از مسلمین را بویژه در مکتب خلفا به خود مشغول داشت و نیز با توجه به پیامدهای ناگوار این گونه تفکر که علاوه بر ایجاد باورهای نادرست نسبت به موضوعات گوناگون، گاه تعطیل و توقف فهم قرآن را نیز در پی داشته و دارد جست و جوی ریشه‌ها و زمینه‌های پیدایش، شباهت، و آثار وجودی آنها بایسته تحقیق به نظر می‌رسد.

اهمیت موضوع آن گاه روشن‌تر می‌گردد که بدانیم حرکت سلفیگری بعنوان نماد ظاهرگرایی، امروزه در سطحی وسیع و با قدرت و سرمایه فراوان آل سعود منتشر می‌گردد.

در شیعه نیز اگر چه امروزه مسأله ظاهرگرایی ظهور و بروز قابل ذکری ندارد اما رگه‌هایی از این تفکر و میل بدان کم و بیش باقی است و نیز طعن و سرزنشها که بواسطه وجود ظاهرگرایانی در تاریخ تفکر شیعه صورت می‌گرفت و در بسیاری موارد از روی کینه، غرض ورزی، خلاف واقع و به شکل افراطی، بوده است امروز نیز در نگاهته‌های اهل سنت بوضوح به چشم می‌خورد بنابراین بررسی و مقایسه مسأله ظاهرگرایی در مکتب خلفا و اهل بیت علیهم‌السلام و میزان صحت و سقم آن، از دیگر وجوه انتخاب این موضوع است اگر چه بررسی هم‌جانبه و دقیق تمامی مسایل فوق در همه فرق ظاهرگرا نیاز به فرصت فراوان و نگارش چندین کتاب و رساله دارد و تاکنون نیز تألیفی مستقل در این زمینه نگارش نشده است، گزارش گونه و دورنمایی از این موضوع بعنوان گام اول راه را برای پژوهشهای بعدی هموار می‌سازد.

ان شاء الله.

ج) پیشینه تحقیق در این موضوع

تحقیق در این موضوع و نگرش بدان از منظر «آسیب‌شناسی» نخستین بار است که ارائه می‌گردد

۱- پژوهشهای قرآنی، ریژه «پژوهشهای بایسته قرآنی»، پاییز و زمستان ۱۳۷۶، ش ۱۱، ۱۲، صص ۲۲ - ۲۴.

اگر چه مباحث آن را بطور پراکنده در کتب تفسیر، حدیث، تاریخ، کلام و فرق می توان ملاحظه کرد لیکن به این سبک و سیاق و تحلیل، تألیفی صورت نگرفته است.

(د) محدودیتهای تحقیق:

ساده ترین پژوهش، پژوهشی است که تحقیق در آن در یک یا دو حوزه علمی صورت گیرد و تألیفاتی نیز در آن موضوع و مسائل جانبی آن وجود داشته باشد و دشوارترین پژوهش، پژوهشی است که بکر و بدون پیشینه بوده و حوزه های مختلفی از علوم را در بر گیرد.

با توجه به آنچه در بحث از پیشینه تحقیق ذکر شد و اینکه بررسی این موضوع نیازمند رجوع به حوزه های مختلف علوم دینی نظیر تفسیر، حدیث، تاریخ، کلام، فرق و مذاهب، بود و بر ارباب تحقیق پوشیده نیست که ورود به هر یک از این حوزه ها برای دانش پژوهشی که زمینه و پیشینه قابل ذکری در این مسایل نداشته نیازمند اطلاعات فراوانی به عنوان مقدمه راهیابی به اصل مطلب است و عمدتاً از دید خواننده پوشیده و مخفی است، بعدی از ابعاد این محدودیت روشن می گردد.

گسترده گی موضوع، محدودیت زمانی با توجه به شرایط خاص، از دیگر محدودیت های بررسی تحقیق و عمیق این موضوع بود.

ه روش تحقیق:

روش تحقیق بر مبنای شیوه کتابخانه ای و جمع آوری فیش های مربوطه، دسته بندی و نقد و ارائه تحلیلهای لازم صورت گرفت. بعد از انتخاب موضوع با جستجو در منابع مربوط به هر یک از عناوین پیش بینی شده در طرح اولیه تحقیق، فیشهایی تهیه شد و پس از تنظیم در بحث مربوطه به نقد و تحلیل آنها پرداخته شد. مبنای تحلیلها بر روش قرآن به قرآن استوار بوده که اجمالاً در فصل اول به آن اشاره شده است.

فصل اول

اصول و قواعد اساسی در تفسیر قرآن

«اصول و قواعد اساسی در تفسیر قرآن»

مقدمه:

قرآن کتاب هدایت بشریت برای تمام نسلها و قرون و سند جاودانه دین مبین اسلام است و اگر چه مخاطب قرآن تمامی انسانها هستند و همگی را به تدبر فراخوانده لیکن تدبر در آن و فهم محتوای آن نیازمند اصول و قواعدی است که بدون دانستن آنها بهره‌وری کامل از آن میسر نخواهد بود و این مسأله بخاطر ویژگیهای خاص این کتاب آسمانی است که آنرا از کتب و نوشتارهای بشری جدا می‌کند.

بنابراین و به مقتضای همین نیاز لازم می‌بینم مباحث مقدماتی این نوشته را به قواعد اساسی فهم و تفسیر قرآن، هر چند به طور اجمال اختصاص داده تا زمینه ورود به مباحث بعدی فراهم گردد ان شاء الله.

الف: شناخت جایگاه قرآن

برای آنکه به درک بهتری از محتوای نایل شویم لازم است شناخت درستی از آن داشته باشیم چرا که نوع و شیوه مواجهه با هر متنی در گرو شناخت درست و تفصیلی ویژگیهای متن، نگارنده و هدف و مخاطب آن است و فهم روشمند قرآن نیز از این قاعده مستثنی نمی‌باشد.

۱) نازل کننده قرآن خداوند «یگانه‌ای» است^(۱) که «رب العالمین»^(۲) «رحمان رحیم»^(۳) «علیم و خبیر

۱- انا نحن نزلنا علیک القرآن تنزیلا (انسان / ۲۳) و رک: شوری / ۱۷ - اعراف / ۱۹۶ - طه / ۴ و.....

و حکیم و عزیز»^(۴) است. آنرا به «حق و راستی» نازل نمود^(۵) و هدف از نیز «هدایت نسل بشر» و «خروج از ظلمات به سوی نور» بوده است^(۶) از این رو کتاب خود را «هدی» «نور» «رحمت» «شفاء» و.... نامیده است.^(۷)

۲) مخاطب قرآن همه انسانها در همه عصرها و قرون است و اختصاص به گروهی خاص ندارد. نظر به خطابهای «یا ایها الناس» «یا عباد» «یا اهل الکتاب» «یا بنی اسرائیل» «یا ایها الذین آمنوا» «یا ایها النبی»... بیان فوق را به اثبات می‌رساند.

۳) فهم قرآن، همه مخاطبین آنرا شامل می‌شود البته با رعایت شروط و اصول لازم بنابراین نمی‌توان گفت مخاطب قرآن همه انسانها هستند اما فهم قرآن ویژه عده‌ای خاص که عموم مخاطبان قرآن باید آیات را از این عده خاص فهم و درک کنند چرا که دلایل زیر مدعای فوق را رد می‌کند:

الف) دلایلی که در اثبات عمومی بودن زبان قرآن مطرح می‌شود مانند: «نور» و «تبیان بودن» «دعوت به تدبر» و دعوت به «تحدی»....

ب) حدیث ثقلین که بوضوح انسانها را به تمسک به قرآن همانند اعتصام به سنت فرا می‌خواند «ما ان تمسکتُم بهمالن تضلوا بعدی»^(۸)

ج) روایاتی که عرضه اخبار متعارض بلکه مطلق اخبار، هرچند متعارض نباشد را بر قرآن تأکید

۲- و انه لتنزیل رب العالمین (شعراء / ۱۹۲) و رک سجده / ۲ - واقعه / ۸۰ - یونس / ۳۷ - حافه / ۴۳.

۳- حم - تنزیل من الرحمن الرحیم (۱ - ۲ فصلت) و رک: یس / ۵.

۴- غافر / ۲ - زمر - جائیه - احقاف / ۱ - شوری / ۳ - نمل / ۶ - هود / ۱.....

۵- نزل علیک الکتاب بالحق (آل عمران / ۳).

۶- یهدی به الله من اتبع رضوانه سبیل السلام و یخرجهم من الظلمات الی النور و یهدینهم الی صراط مستقیم (۱۶ - مائده -).

۷- هذا بصائر للناس و هدی و رحمة لقوم یوقنون (جائیه / ۲۰) رک اعراف / ۵۲ - نحل / ۶۴ - قد جائکم من الله نور و کتاب مبین (۱۵ / مائده)

(قال هو للذین آمنوا هدی و شفاه (فصلت / ۴۴) و رک: یونس / ۵۷ - اسراء / ۸۲.

۸- بحار الانوار، ج ۲ / ۴۰۱.

می‌کند نظیر اینکه امام صادق فرمودند: «کل شیء خالف کتاب الله باطل»^(۱)

امامان معصوم علیهم‌السلام شاگردان و مخاطبان خود را در زمینه‌های گوناگون به قرآن کریم ارجاع می‌دادند این ارجاعات در زمینه‌های گوناگون عقاید و معارف، مسایل حقوقی، مسایل فقهی و... صورت گرفته بطور مثال «زراه» از امام صادق علیه‌السلام سؤال می‌کند که «به من خبر دهید که از کجا گفتید که مسح به قسمتی از سر و پا جایز است ایشان پاسخ دادند ای زراه، مسح ببعض سر به خاطر مکان «باء» است»^(۲) در آیه و «امسحوا برؤوسکم وارجلکم (۶ / مائده)...» یا در زمینه مسایل حقوقی استشهاد حضرت زهرا (س) به آیات فراوانی در خطابه‌ای که در استرداد فدک ایراد فرمودند.^(۳) و نمونه‌های فراوان دیگر که دلالت بر فهم پذیری قرآن برای عموم مردم دارد.^(۴)

۴) قرآن هرگز تحریف نشده است. البته منظور ما از تحریف نه تحریف معنوی که تحریف لفظی است چرا که در طول تاریخ بی‌شمار کسانی بودند که معنای قرآن را بنا به مقاصد خود تحریف کرده‌اند و کریمه «محرّفون الکلم عن مواضعه» (نساء / ۴۶) و حدیث «...اقاموا حروفه و حدفوا حدوده»^(۵) بر این بیان دلالت دارد.

اما تحریف لفظی نیز هرگز در قرآن صورت نگرفته اگر چه عده قلیلی از حشویه و اخباریه این قول را مطرح کردند لیکن علمای مسلمان از شیعه و سنی بطور قاطع به رد آن پرداختند^(۶) و آیاتی از قرآن کریم نیز بر این مسئله تأکید می‌ورزند آیاتی نظیر «انما نحن نزلنا الذکر و اناله لحافظون» (حجر / ۹) - «ان الذین کفروا با لذکر لماً جاءهم و انه لکتاب عزیز لایاتیة الباطل من بین یدیه و لا من خلفه تنزیل من حکیم حمید» (فصلت / ۴۱ - ۴۲).

بنابراین روایاتی که بعضاً ظواهر آن موهم تحریف است یا باید توجیه و تأویل گردد و یا چون با

۱- وسایل الشیعه ج ۱۲ صفحه ۳۵۳.

۲- کلینی - محمد بن یعقوب - اصول کافی ج ۳ / ۳۰.

۳- طبرسی - الاحتجاج، ج ۱/ ۲۵۳، بحار الانوار ج ۲۹ صفحه ۲۲۰.

۴- ر.ک: جوادی آملی - عبدالله - تفسیر تسنیم، ج ۱ / ۹۰ تا ۹۷.

۵- روضه کافی صفحه ۵۰ - مولا علی علیه‌السلام نیز در نهج البلاغه خ / ۱۷ به این نوع تحریف اشاره دارند.

۶- معرفت - محمد هادی - صیاته القرآن عن التحریف -

متن قرآن و روایات محکم ناسازگارند کنار گذاشته شوند.

۵) در قرآن هیچگونه اختلافی وجود ندارد: در عین حالیکه قرآن بتدریج و در طول سالیان متمادی نازل شده است لیکن هیچگونه اختلافی در محتوای آیات نسبت به یکدیگر وجود ندارد بلکه بر عکس آیات قرآن یکدیگر را تصدیق نموده و بر صحت یکدیگر شهادت می‌دهند. اساس تفسیر قرآن به قرآن که از دیر باز اولین و مهمترین مرجع تفسیری مسلمین بوده است بر مبنای تصدیق متقابل آیات است و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و مولا علی علیه السلام نیز بر این سخن تأکید ورزیدند^(۱). آیه «افلا يتدبرون القرآن ولو كان من عند غير الله لوجدوا فيه اختلافاً كثيراً» (نساء / ۸۲) بوضوح مسئله عدم وجود اختلاف در قرآن را روشن می‌نماید.

۶) ظرفیتها در فهم قرآن تفاوت می‌کند این تفاوت ظرفیتها هم در زمینه تفاوت سطح علمی افراد است و هم تفاوت در سطح روحی و معنوی. چرا که قرآن کریم یک کتاب ساده نیست تا هر کسی که چند بار آنرا بخواند ادعای فهم تمام محتوای آنرا نماید بلکه کتابی عمیق است که هر کس بر حسب ظرفیت روحی و معنوی خود از آن بهره می‌گیرد و این بخاطر آنست که فهم کامل و عمیق قرآن نیازمند کشف حجابها و تثبیت اوصاف و ملکات نفسانی است. کشف حجابهای نظیر (الف): «ظلم» «وما یجحدُ بآیاتنا الا الظالمون» «و جحدوا بها واستیقنتها انفسهم ظلماً و علواً» (نمل / ۱۴). (ب): «استکبار» که نتیجه و میوه گناهان است: «سأصرف عن آياتي الذين يتكبرون في الارض بغير الحق...» (۱۴۶ / اعراف) و نیز آیات (۸۲ / مانده) - (۳۱ / جاثیه)

(ج) «بی توجهی به گناهان» «و من اظلم من ذکر بآیات ربه فاعرض عنها ونسی ما قدمت یداه انا جعلنا علی قلوبهم اکنة ان یفقهوه و فی آذانهم وقرا» (کهف / ۵۷) و حجابهای دیگری نظیر، (د): «فسق» (۹۹ / بقره). (ه): «کفر و شرک» (۴۷ / عنکبوت - ۳۱ / سباء)، (و) «پیروی از هوای نفس»، و «تمسخر آیات الهی» (۱۶ / محمد صلی الله علیه و آله) (لقمان ۶ و ۷) و غیره....

۱- حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمودند «ان القرآن لیصدق بعضه بعضاً فلا تکذبروا بعضه ببعض (کنز العمال ج ۱ / ۶۱۹ - ح

از سوپی ملکات و شروطی برای فهم و بهره‌مندی از قرآن لازم است نظیر: «خوف از خدا» «طه ما انزلنا عليك القرآن لتشقى الا تذكرة لمن يخشى» (طه / ۱ تا ۳) و نیز (۵۱ انعام) - ۱۸ فاطر) - (۱۱ یس) - (۴۵ ق....) (ب) - «تقوى» «انه لتذكرة لليمتقين» (۴۸ / حاقه) «...اتقوا الله يعلمكم الله...» (۲۸۲ بقره) (ج) «زننده دل بودن»: «افن كان ميتاً فأحييناه و جعلنا له نوراً يمشى به في الناس كمن مثله في الظلمات ليس بخارج منها» (انعام / ۱۲۲) و نیز (۶۹ - ۷۰ / یس). (د) در پی علم و یقین بودن (۱۱ / توبه) (۴۳ / عنكبوت) - (۳ / فصلت) - (۳۲ / اعراف) - (۲۰ / جاثیه) - (۱۱۸ / بقره)..... (ه) «طلب رضای الهی» (مائده / ۱۶) و اوصاف دیگر که به میزان تفاوت سطح روحی انسانها در رعایت ملکات و اجتناب از اوصاف رذیله مذکور، درک و فهم قرآن نیز طبعاً تفاوت می‌کند بطوریکه معصومین که مصداق تام و واقعی انسان کاملند بالاترین سطح درک و فهم را نسبت به آیات دارا هستند و این تأثیر تفاوت ظرفیتها در درک و فهم قرآن از آن روست که قرآن علاوه بر ظواهرش دارای بواطنی است که هرکسی بدان راه ندارد. احادیث فراوانی از سنت نبوی و اهل بیت بر این مسئله دلالت دارد من جمله از رسول خدا ﷺ نقل شده که «هو القرآن کتاب فيه تفصیل و بیان و تحصیل و هو الفصل لیس با الهزل و له ظهر و بطن فظاهره حکم و باطنه علم ظاهره انیق و باطنه عمیق...»^(۱) یا از امام صادق نقل شده که «کتاب الله عزوجل علی اربعة اشياء علی العبارة و الاشارة و اللطایف و الحقایق، فالعبارة للعوام و الاشارة للخواص و اللطایف للاولیاء و الحقایق للانبیاء.»^(۲) از «ابن مسعود» نقل شده که گفت: «همانا قرآن بر هفت حرف نازل شده و هیچ حرف از آن نیست مگر اینکه ظاهر و باطنی دارد و بدرستیکه علی ابن ابی طالب عليه السلام علم ظاهر و باطن را دارد^(۳) اما ادعای ظاهر و باطن داشتن قرآن به این معنی نیست که بین آندو رابطه‌ای وجود ندارد بلکه هر تفسیری که بعنوان تفسیر باطنی قرآن ارائه می‌گردد، باید همخوان و سازگار با ظاهر آیات باشد چنانکه ظواهر آیات نیز باید از یک سو با «قواعد لغت عرب» و از سوی

۱- اصول کافی ج ۲ / ۵۶۴ ح ۲.

۲- بحار الانوار ج ۸۹ صفحه ۱۷.

۳- سیوطی - جلال الدین عبدالرحمان - الاتقان فی علوم القرآن - ترجمه سید مبهدی حائری فزوبنی - ج ۲ / ۵۸۹ - نبع

دیگر با «روح کلی شریعت» و آیات قرآن هماهنگی و سازواری داشته باشد. بنابراین اگر بخواهیم نگرش روشمندی به مسئله ظاهر و باطن داشته باشیم باید برای پذیرش معنایی بعنوان ظاهر و یا باطن ضوابط و شروطی را ارائه دهیم.

شرط صحت فهم و برداشت از ظاهر و باطن آنست که اولاً موافق لغت عرب باشد و ثانیاً با روح کلی حاکم بر شریعت و اصول و قواعد لازم در فهم قرآن مخالفتی نداشته باشد.

بطور کلی نسبت معانی به قرآن دوگونه است برخی موافق با قرآن و برخی مخالف قرآنند. و به دیگر سخن بعضی از مضامین را می توان به قرآن نسبت داد و قرآن نه با آنها مخالفت دارد و نه بی ارتباط است فی المثل در آیه «ولا تقل لها أف» (اسراء / ۲۳) مضامین: پدر و مادر را کتک مزن - به آنان دشنام مده - آنان را گرامی بدار - موافق با آیه است حال آنکه ظاهر آن فقط دلالت بر آن میکند که به آندو أف مگو»^(۱).

یا در آیه: «ان الذین یأکلون اموال الیتامی ظلماً» (نساء / ۱۰) معنای ظاهر آیه آنست که: «کسانی که از روی ظلم اموال یتیم ها را بخورند در دلشان آتش فرو بردند اما می توان گفت چون آیه تحریم سوزاندن اموال یتیم نکرده می توان آنرا آتش زد»^(۲) طبیعتاً خیر چون آیه حداقل ظلم را بیان داشته و منع کرده لیکن بعضی نظیر خوارج بر اساس آیه فوق گفتند اگر ۲ فلس از مال یتیم را بخوری در آتش جای داری و اگر عده ای را بکشی گناهی بر تو نیست چون نص بر آن دلالت ندارد.^(۳) یا در آیه «و

۱- این مسئله بخاطر تفاوت در منطوق و مفهوم آیات است. منطوق آنست که لفظ در محل نطق و گفتار بر آن دلالت می کند پس اگر فقط یک معنی را متحمل باشد و بر غیر آن منطبق نگردد «نص» نامیده می شود مانند «آیه فسیام ثلاثه ایام فی الحج و سبعة اذا رجعتم...» (۱۹۶ / بقره) - و اگر معنی دیگری نیز به طور مرجوح محتمل باشد آن را «ظاهر» گویند مانند «فمن اضطر غیر باغ و لاعاده» (بقره - ۱۷۳) که باغی بر جاهل و ظالم اطلاق می شود ولی در معنی دوم اغلب و اظهر است و یا به جهت دلیلی بر معنی مرجوح حمل گردد که آن را تأویل نامند مانند «هو معکم اینما کنتم» (حدید / ۴) که محال است از نظر ظاهر و ذات نزدیک خدا بود. اما منطوق آنست که لفظ نه در نطق خود بر آن دلالت کند و آن دوگونه است مفهوم موافق و مفهوم مخالف که مثال فوق (اسراء / ۲۳) از نوع موافق است (رک الاتقان ج ۲ / ۱۰۷-۱۱۰).

۲- پیشین / ۱۰۹.

۳- ذهبی - محمد حسین - التفسیر المفسرون (۲ / ۳۲۷).

اعبداللہ و لا تشرکوا به شیئاً» (نساء / ۳۶) مراتب مختلفی از فهم را که موافق با آیه است میتوان بدست آورد. علامه طباطبایی می فرماید: «ظاهر این کلام نهی از پرستش معمولی بتها است چنانکه می فرماید: «واجتنبوا الرجس من الاوثان» (حج / ۳۰). ولی با تأمل و تحلیل معلوم می شود که پرستش بتها برای این ممنوع است که خضوع و فروتنی در برابر غیر خداست و بت بودن معبود نیز خصوصیتی ندارد چنانکه خدای متعال [اطاعت] شیطان را عبادت او شمرده می فرماید: «الم أعهد الیکم یا بنی آدم الاتعبدوا الشیطان» (یس / ۶۰) و با تحلیلی دیگر معلوم می شود که در اطاعت و گردن گذاری انسان میان خود و غیر فرقی نیست و چنانکه از غیر خدا نباید اطاعت کرد از خواسته های نفس در برابر خدای متعال نباید پیروی کرد چنانکه اشاره می کند «افرأیت من اتخذ االهه هواه (جائیه / ۲۳) و با تحلیل دقیق تری معلوم می شود که اصلاً بغیر خدای متعال نباید التفات داشت و از وی غفلت نمود...»^(۱) بنابراین می توان فراتر از معنای ظواهر الفاظ معنایی را بدست آورد که چه بسا پیشینیان آنرا نفهمیدند و در عین حال موافق با آیه تلقی شود.^(۲) اما بعضی از برداشتها با قرآن و قواعد لغت مخالفت دارد فی المثل بعضی از جاهلین بقواعد عرب گفتند که قرآن نه زن عقدی را بر مرد تجویز کرده است و استدلال کردند به آیه «فانکحوا ما طاب لکم من النساء مثنی و ثلاث و رباع» که جمع این اعداد ۹ است. یا آنکه بر اساس آیه «حرمت علیکم المیتة و الدم الخنزیر» نظر دادند که پیه خوک حلال است یا بر اساس آیه «هذا بیان للناس و هدی و موعظه للمتقین» بیان بن سمعان رئیس فرقه بیائیه دعوی نبوت کرد.^(۳) طبیعی است که این برداشتها نه با سیاق آیات نه با قواعد لغت (مفهوم و منطوق) و یا با تاریخ نزول آیات سازگاری ندارد چنانکه «بیان بن سمعان» سالها بعد از نزول قرآن^(۴) و این آیه بوده پس چگونه با لفظ «هذا» بیان بن سمعان را اراده کرده است.

۱- طباطبایی - محمد حسین - قرآن در اسلام ۳۳ - ۳۴.

۲- دلایل اثباتی وجود باطن برای آیات و نظریات مفسران سنی و شیعه را در این زمینه در فصلنامه معرفت / ش ۲۶ صفحه ۷ تا ۱۶ مقاله علی اکبر بابائی به عنوان باطن قرآن کریم ببینید

۳- سنگلجی - شریعت - کلید فهم قرآن / ۴۸ - ۵۰.

۴- بیان بن سمعان از غلاة زمان امام صادق (ع) و از هفت نفری بود که مورد لعن ایشان قرار گرفت - رک صفحه ۹۵ همین نوشتار.

تأویلاتی که صوفیه و باطنیه از آیات قرآن ارائه داده‌اند نیز با قواعد لغت قرآن مخالفت دارد^(۱) مانند اینک بگوئیم در آیه «والشمس وضحاها» (شمس / ۱)

مراد از «شمس» پیغمبر اکرم ﷺ و «ضحی»: امیرالمؤمنین ﷺ که از باب تفسیر غلط است چونکه با قواعد لغت سازگاری ندارد لیکن از باب تطبیق و تمثیل شاید صحیح باشد یعنی بگوئیم پیامبر مانند خورشید و مولا علی مانند سپیده صبح است. بسیاری از روایاتی که از این دست در کتب روانی شیعه وجود دارد از باب جری و تطبیق و مصداق اتم است - البته اگر روایت اشکالی نداشته و این جری و تطبیق با روح شریعت سازگار باشد - لیکن معاندان شیعه آن را تفسیر پنداشته و بر شیعه تاختند.^(۲) بنابراین چنانکه استاد مظفر می‌گوید: «می‌توان مراد جدی قرآن را ظاهر و معنای التزامی قرآن را باطن نامید» چون آن: با مضمون روایات صحیح معصومین ﷺ موافقت دارد و هم با فهم عرفی و هم با فهم عقلانی، چنین ظاهر و باطنی بر خلاف آنچه غلات و متصوفه معتقدند مصدق یکدیگرند نه مفارق از یکدیگر^(۳)

بر اساس آنچه گفته شد می‌توان این نتیجه را گرفت که فهم قرآن در یک سیر تکاملی است و این ویژگی تکامل پذیری در ذات قرآن و لازمه جاودانگی قرآن است. درباره سوره مبارکه توحید و آیات اولیه حدید (حدید / ۶) «هو الاول والاخر... هو علیم بذات الصدور» روایتی از امام سجاد ﷺ نقل شده که خداوند عز و جل می‌دانست که در آینده دور متعمقان و ژرف اندیشانی خواهند بود پس سوره توحید و آیاتی از اول سوره حدید را تا (علیم بذات الصدور) نازل فرمود پس هرکس بیش از این معارف را قصد کند تحقیقاً هلاک شده است^(۴) این روایت به روشنی بر مسئله تکامل پذیری فهم قرآن تأکید می‌ورزد.

۶- قرآن از سنت و عترت جدائی ناپذیر است: بر اساس آیه «انزلنا الیک الذکر لتبین للناس منازل

۱- قبادیانی - ناصر بن خسرو - وجه دین صفحه ۹ به بعد - این کتاب مملو از تأویلات باطنیه است.

۲- رک سلیمان الرومی - فهد بن عبد الرحمن - الاتجاهات التفسیر فی القرآن الرابع عشر ج ۱ / ۲۲۰ - ۲۲۶.

۳- مظفر - محمد رضا - اصول الفقه ۲ - ۱ / ۱۰۸ رک فصلنامه صحیفه مبین - جعفر نکونام - تحلیل ظاهر و باطن قرآن ۳۵ تا ۵۰.

۴- کافی ج ۱ / ۱۴۶ - ۱۴۷، ح ۳ - رک جوادی آملی - عبدالله - تفسیر موضوعی قرآن ج ۱ / ۴۵۳ - ۴۵۴.

الیهیم...» (نحل / ۴۴) سنت قولی و فعلی پیامبر در تفسیر و فهم قرآن حجت است که اختلافی بین مفسران نیست.

علاوه بر این عترت پیامبر نیز نظیر سنت رسول اکرم حجیت دارد بر اساس آیه تطهیر (احزاب ۳۳) و آیه (واقعه / ۷۹) و نیز بر اساس «حدیث ثقلین» که خدشه‌ای در آن نیست عترت در کنار قرآن و لازمه آنست^(۱).

قرآن از مخاطب خود انتظار دارد که در آیاتش تعقل، تدبر و تفکر کنند و هدف قرآن نیز چیزی جز هدایت نسل بشر نیست. شناسایی انتظار یک متن از مخاطبش، مخاطب را با چگونگی مواجهه با این متن و میزان و حدود انتظار از این متن آشنا می‌کند.

در قرآن آیات فراوانی انسانها را به تدبر فرا می‌خواند نظیر (کتاب انزلنا الیک مبارک لیدبروا آیاته... (ص / ۲۹) و نیز (محمد / ۲۴) - (نساء / ۸۲).

آیاتی انسان را به تفکر دعوت می‌کند «بالبینات والذیر و أنزلنا الیک الذکر لتبین للناس ما نزل الیهیم و لعلمهم یتفکرون» (نحل / ۴۴) و نیز (۲۲۱ / بقره) - (اعراف / ۱۷۶) - (حشر / ۲۱).

آیاتی از اهمیت تعقل سخن به میان می‌آورد «صم بکم عمی فهم لا یعقلون» (۱۷۱ / بقره) - (۱۶۴ / بقره) - (۵۸ / مائده - ۴۲ / یونس - ۱۰۰ یونس).

آیاتی که به مدح و توصیف اولوالالباب می‌پردازد (انما یتذکر اولوالالباب (رعد / ۱۹) - (آل عمران / ۷) - (آل عمران - ۱۹۰ - ۱۹۱). (زمر / ۱۸ - زمر / ۲۱)....)

آیاتی که به تحدی دعوت می‌کند «فأتوا بسوره من مثله...» (۲۳ / بقره). (اسراء / ۸۸) (۱۳ / هود) آیاتی که آفات تدبر و تعقل را بر می‌شمرد (کلاب ران ان علی قلوبهم ماکانوا یکسبون (مطففین / ۱۴) (انعام / ۲۵) (محمد / ۲۴) (حدید / ۱۲)....

آیاتی که شروط و موانع بهره‌مندی از قرآن را ذکر می‌کند و قبلاً به بعضی از موارد آن پرداختیم. و در نهایت آیاتی که اهداف قرآن را بیان می‌کند، اهدافی که زمینه ساز آن و راه وصول به آن تعقل و

۱- الحاکم الحسکانی - عبیدالله بن عبدالله - شواهد التنزیل. ج ۲/۷۴ تا ۱۴۰، رک: نفی پور - ولی الله - تدبر در قرآن (۲۶۱ - ۲۷۳) و: رک: الأصنی - محمد مهدی - آیه التطهیر، ص ۵۱ به بعد.

خردورزی و پرهیز از تقلید کورکورانه است اهدافی نظیر «رهایی از غفلت» (بس / ۶) «تبیین حق از باطل» (نحل / ۶۴) - (بقره / ۱۸۵).

«تقوا و پرهیزکاری» (زمر / ۲۸) «ورود به رحمت ویژه خداوند و هدایت به ذات بی انتهای او» (نساء / ۱۷۴ - ۱۷۵) و بسیاری از اهداف دیگر.

بنابر آنچه گفته شد هر تفسیری از قرآن که با روح کلی آیات آن که جوهره آن مسئله هدایت دینی است منافات داشته باشد تفسیری صحیح نخواهد بود آنانکه به جای هدایت پذیری از قرآن انتظار اکتشافات علمی دارند و دائم آیات قرآن را بر مسائل علمی حمل می‌کنند باید بدانند که اگر قرآن به مسایل علمی گاه و بیگاه اشاره‌ای دارد در راستای آنست که بعدی از ابعاد اعجاز و عمق خود را بر مخاطب بشناسد تا با اعتراف به عظمت آن به هدایت‌هایش سر تسلیم فرود آورند.

۸) قرآن شامل ناسخ و منسوخ، مطلق و مقید، عام و خاص، مجمل و مبین است، و از آنجا که قرآن در طول زمان بتدریج نازل شده است و بر حسب شرایط زمانی و مکانی بعضی احکام و دستورات آن نسخ می‌شده است اگرچه در تعداد آیات منسوخه بین مفسران اختلاف است ولی در وقوع نسخ در قرآن اتفاق نظر وجود دارد.

بعلاوه در بعضی موارد آیات مطلق تقیید خورده و بر آیات عام تخصیص وارد شده است این تقیید و تخصیصها گاه بوسیله قرآن و گاه بوسیله سنت ارائه شده است بعنوان مثال در آیه «انما حرم علیکم المیتة و الدم» (بقره / ۱۷۳) و آیات (۳ / مائده)، (۱۱۵ / نحل) خون بطور مطلق و به هر شکلی حرام اعلام شده ولی در آیه (۱۴۵ / انعام) قید ریخته شده را به آن افزوده است «اودماً مسفوحاً» بنابراین با توجه به این قید، خونهایی که بعد از سربریدن حیوان در رگها باقی می‌ماند حرام نیست و منظور از حرمت خوردن خون در آن چند آیه نیز صرفاً حرام بودن خونی است که پس از سر بریدن از بدن حیوان خارج می‌شود. (۱)

از موارد تخصیص، آیه «فانکحوا ما طاب لکم من النساء...» (نساء / ۳) بوسیله آیه (۲۳ / نساء)

«حرمت علیکم امهاتکم...»^(۱) و از موارد مجمل و مبین نیز آیه «صراط الذین انعمت علیهم» (فاتحه / ۷) است که مصادیق انعام الهی در آیه (۵۸ / مریم) تبیین شده است.^(۲)

۹) قرآن شامل محکم و متشابه و حقیقت و مجاز است.

محکّمات در دلالتشان بر موارد الهی استوار و قطعی اند و متشابهات احتمالات گوناگونی را بر می تابند^(۳) و شبهه انگیز و دستاویز مناسبی برای فتنه جویمان و منحرفان است «فأما الذین فی قلوبهم زیغ فیتبعون ما تشابه منه ابتغاء الفتنه» (آل عمران / ۷۶)

آیاتی نظیر (قل هو الله احد) (ان الله علی کل شیء قدیر) (لیس کمثله شیء) (شوری / ۱۱) از جمله محکّمات و آیاتی نظیر (الرحمن علی العرش استوی) (طه / ۵) (یدالله فوق ایديهم) (فتح / ۱۰)... از متشابهات اند.

در اینکه متشابهات ذاتی یا عرضی اند نیز باید گفت که اگر ذات آیات متشابه باشند با آیاتی که قرآن را «نور» «لسان عربی مبین» «تبیان کل شیء» معرفی می کنند در تعارض خواهد بود. متشابهات ظاهری حق نما دارند که در صورت جمود بر این ظواهر حق نما فتنه انگیزی ایجاد می شود اما اگر ذات آیات متشابه باشند نظیر آنکه لفظ مجمل را شامل متشابهات بدانیم - کما اینکه گروهی چنین پنداشتند^(۴) - اشکالی پیش می آید و آن اینکه سخنی که اجمال داشته باشد. اساساً در مطلبی ظهور ندارد تا مورد پیروی قرار گیرد و در نتیجه این پیروی فتنه انگیزی ایجاد شود آنگونه که بر اساس آیه (۷ / آل عمران) درباره ویژگی متشابه گفته شد.

رابطه محکم و متشابه یک رابطه معنایی است بدین صورت که محکّمات که «ام الكتابند» معنای متشابهات را چنان سامان می بخشد که دیگر زمینه ای برای فتنه انگیزی باقی نمی ماند به عنوان مثال: در پرتو قاعده محکم «لیس کمثله شیء» تمام آیاتی که ظواهر آن موهم تجسیم است تفسیر می گردد.

۱- موارد بسیاری از عام و خاص را رک پیشین صفحه ۵۱ تا ۶۰.

۲- برای این بحث نیز رک پیشین / ۶۱ - ۶۷.

۳- رک قرآن در اسلام صفحه ۴۴.

۴- سیوطی از اقوالی که درباره متشابه نقل می کند این است که متشابه آنست که خداوند علم آنرا به خود اختصاص داده باشد مانند بر پا شدن ساعت قیامت و خروج رجال... رک اتقان ج ۲ / ۱۰.

آیاتی نظیر (جاء ربك) (فجر / ۲۲) یا «ان ربك لبالمرصاد» (فجر / ۱۴)^(۱).....

نیز آیات قرآن شامل حقیقت و مجاز است که مجاز نیز انواع مختلفی دارد و از آنجا که در این مسئله جمهور علما بر وقوع آن اتفاق دارند و علمای قرآن پژوه به تفصیل به آن پرداختند^(۲) از بیان و توضیح آن صرف نظر می‌کنیم فقط اشاره می‌کنیم که سیوطی از فرقه ظاهریه و ابن القاص از علمای شافعی و ابن خويز منداد از مالکیان. بعنوان کسانی نام می‌برد که وقوع مجاز در قرآن را نپذیرفتند^(۳) و از آنجا که وقوع این مسئله و اضرار از آنست که نیازمند به دلیل باشد به نقد و بررسی آن نمی‌پردازیم.

(ب) قواعد و اصول لازم برای تفسیر قرآن

(۱) شناخت ویژگیهای قرآن: آنچه در بحث پیشین تحت عنوان ویژگیهای قرآن ذکر شد از مهمترین اصول و ابزارهای لازم برای ورود یک مفسر به ساحت تفسیر قرآن است دانستن هدف قرآن، مخاطب قرآن، انتظار قرآن محکم، متشابه، ظاهر و باطن، مطلق و مقید، عام و خاص، ناسخ و منسوخ، همه و همه لازمه یک تفسیر صحیح است.

(۲) آگاهی از دانشهای مورد نیاز نظیر: الف) دانشهای ادبی، مثل، صرف، نحو، معانی، بیان، بدیع، فقه اللغة و منابع علمی مربوط به هر یک (۱) - (ب) دانشهای قرآنی که در بند یک به پاره‌ای از آنها اشاره شد.

(ج) - دانشهای درون دینی نظیر کلام، عرفان، اخلاق، علم الحدیث (روایه الحدیث و درایه الحدیث)، فقه و اصول، تاریخ اسلام - که در بحث از اسباب نزول و فضای نزول آیات بسیار مورد کاربرد است - تاریخ تفسیر، و روشهای تفسیری - بخاطر آنکه چه بسا راهی که گذشتگان پیمودند و به خطا رفتند یا نقطه قوتی دارند شناسائی شود -

۱- رک تفسیر موضوعی قرآن کریم ج ۱ / ۴۰۲ - ۴۰۷.

۲- رک الاتقان ج ۱ / ۱۲۱ تا ۱۳۷.

۳- رک پیشین صفحه ۱۲۱.

(د) دانشهای بیرون دینی: نظیر فلسفه، منطق، تاریخ عمومی جهان و تاریخ تمدنها و ادیان - با توجه به اینکه بخش مهمی از قرآن را قصص الانبیاء تشکیل می‌دهد علاوه بر اینکه مطالعه تاریخ ما را به ریشه‌های جریانهای انحرافی رهنمون می‌شود.

(ه) و نیز دانشهای انسانی نظیر روانشناسی، اقتصاد، جامعه‌شناسی، حقوق و....

(و) دانشهای تجربی نیز با توجه اینکه بخشی از آیات قرآن از این حوزه سخن می‌گوید. لازمه یک مفسر است. داشتن علم به زمان و عصر خود تا شبهات جدید را از ساحت قرآن پاسخ گوید ملکه‌ی استنباط و تحلیل نیز از جمله آنهاست این وسعت اطلاعات مورد نیاز از این جهت است که قرآن در حوزه‌های مختلف علوم سخن گفته و بیاناتی ارائه داده است.

۳) زمینه‌های روحی و علمی: قرآن کریم کتابی است که از مقام لدن نشأت گرفته و در قوس نزولی بدست ما رسیده، هرآنچه مفسر از اوصاف نازله و رذیله بدور باشد فهم از قرآن او قوس نزول به صعودی سیر خواهد کرد تا آنکه به مقام لدن نزدیک گردد آیات قرآن بوضوح بر تأثیر طهارت روحی در فهم و درک عمق قرآن تأکید می‌کند آنجا که می‌فرماید: «انه لقرآن کریم فی کتاب مکنون لایسه الا المطهرون» (واقع ۷۹-۷۷)

یا درجایی دیگر رسیدن به یقین نسبت به ذات پروردگار را در گرو عبادت خدا می‌داند می‌فرماید «واعبد ربک حتی یأتیک الیقین» (حجر / ۹۹) و در آیه دیگر هدایت و علم موهبی الهی را منوط به تقوی معرفی می‌کند «ذالک الکتاب لاریب فیه هدی للمتقین» (بقره / ۲) «اتقوا الله و یعلمکم الله و الله بکل شیئی علیم» (بقره / ۲۸۲) - «و من یومن بالله یهد قلبه» (سوره تغابن آیه / ۱۱)

۴) آگاهی از معیارهای فهم قرآن: فهم قرآن نیازمند رعایت معیارهایی است که بدون توجه به آنها فهم درستی از این کتاب آسمانی حاصل نخواهد شد. این معیارها عبارتند از:

الف) نگرش جامع به آیات درباره موضوعات: قبلاً گفته شد که یکی از ویژگیهای قرآن اینست که دارای ناسخ و منسوخ، محکم و متشابه، عام و خاص، مطلق و مقید است بی‌تردید یک مفسر برای ارائه یک تفسیر باید از منسوخات، مخصصات و مقیدات یک آیه با خبر باشد و این نیز در گرو نگاه جامع و موضوعی به آیات است بسیاری از فرق اسلامی که در اعتقاد خود به خطا رفتند در نتیجه

بی توجهی به این اصل اصیل تفسیری بوده است. دیدن آیات موهم جبر بدون توجه به آیات تفویض، آیات تجسیم بدون توجه به تنزیه، آیات موهم عدم عصمت بدون توجه به آیات عصمت و و و موجب پیدایش فرقی گشته که سخیفترین اعتقادات را درباره معارف دینی پیدا کردند.

اگر موضوع «علم غیب» را برگزینیم بر اساس آیه (۶۵ / نحل) که فرمود: «قل لا یعلم من فی السموات و الارض الغیب الا الله» باید بگوییم علم غیب را جز خداوند کسی نمی داند. اما با نگاه دیگری به آیه (۲۶ - ۲۷ جن) بر می خوریم که می فرماید: «عالم الغیب فلا یظهر علی غیبه احدا الا من ارتضى من رسول...» این آیه رسول را نیز از جمله کسانی می داند که آگاه به علم غیب است بنابراین راه جمع بین آند و آنست که بگوئیم دانش غیب در حقیقت مخصوص خدای متعال است اما آن را به برخی از بندگان خاص خود از روی عنایت خویش عطا می کند.

بنابراین بر اساس این اصل می توان تعارض ابتدائی و ظاهری میان آیات - نه تعارض حقیقی و باطنی - با یکدیگر یا با حدیث و یا با حکم قطعی عقل و علم را مرتفع کرد.

۲) نقش سیاق در فهم آیات: گاهی از این مسئله بعنوان «قرینه‌های درونی پیوسته و همراه با آیات» نام می برند این قرینه‌ها همواره همراه با سخن‌اند و قبل و بعد از آیه مورد نظر و احياناً چند آیه در کنار هم می آیند توجه به این قراین و سیاق‌ها نکات جدیدی بر مفسر آشکار می کند مثلاً در آیه (۴۹ دخان) که می فرماید: «ذق انک انت العزیز الکریم» اگر بدون توجه به آیات قبل و بعد که درباره عذاب قیامت است این آیه را معنا کنیم «عزیز» و «کریم» بر معنای واقعی خود است و جمله‌ای مدح آمیز خواهد بود اما آیات قبل از آن می فرماید: «خذوه فاعتلوه الی سواء الجحیم ثم صبا فوق رأسه من عذاب الحمیم» (دخان ۴۷ - ۴۸) و در آیه (۵۰) می خوانیم - (ان هذا ما کنتم به تمترون) با این اوصاف شکی باقی نمی ماند که «عزیز کریم» دلالت بر ذلت و حقارت می نماید.^(۱) از سوی دیگر همیشه چنین نیست که . سیاق در فهم آیه دخیل باشد چرا که چنین آیات بر اساس ترتیب نزول نیست و

۱- السعدی، عبد الرحمان بن ناصر - تیسیر الکریم الرحمان فی تفسیر کلام المنان ج ۱ / ۲۲ به نقل از ابن قیم. برائع

الفوائد چاپ شده در مقدمه همین کتاب - رک فصلنامه معرفت ش ۲۶ - نگاهی به آسیب‌های فهم قرآن - عزیزی -

چه بسا گوینده‌ای در کلام خود جمله معترضه‌ای بیاورد که ارتباط با جمله‌های پیشین و پسین نداشته باشد. شاید بتوان جمله «الیوم یش الذین کفروا من دینکم..... ورضیت لکم الاسلام دینا» را در آیه (۳) مانده از جمله نمونه‌های معترضه ذکر کرد.

با توجه به آنچه گذشت باید گفت نقش سیاق را نیز می‌توان در محور اول یعنی جامع نگری نسبت به آیات گنجانند.

(۳) توجه^{به} نقش زمان و مکان در تفسیر: پدیده‌های مادی در طول زمان در تغییر و تحولند لذا روش رویارویی با این پدیده‌ها نیز باید به مقتضای زمان تغییر کنند امام صادق علیه السلام می‌فرماید: (..... لان الله تبارک و تعالی لم يجعله [القرآن] لزمان دون زمان و لا للناس دون ناس فهوفی کل زمان جدید و عند کل قوم غرض الی یوم القیامه)^(۱) برای اینکه این نوبه نوبت قرآن حفظ شود باید در عین توجه به شرایط عصر نزول به استنباط جدید و تطابق آن با نیازهای زمان پردازیم فی المثل در آیه «واعدوا لهم ما استطعتم من قوه و من رباط الخیل ترهبون به عدو الله و عدوکم» (انفال / ۶)

آیه در کنار آمادگی نظامی به ذکر نمونه‌ای از آن پرداخته و به جمع آوری و آماده کردن سپاه اسبان برای به وحشت انداختن دشمن سفارش می‌کند اما امروز می‌توان با توجه به روح کلی آیه که هدفش مقابله با دشمن و ایجاد هراس در دل آنهاست از پیشرفته‌ترین وسائل نظامی بهره جست.

برداشتن حکم پیامبر صلی الله علیه و آله توسط امیرالمؤمنین علیه السلام در موضوع «حنا کردن ریشها» از جمله موارد نقش زمان در احکام دینی است. هفدمین کلمه از کلمات قصار به این مسئله اشاره دارد: از آن حضرت (علی ع) از سخن رسول صلی الله علیه و آله سؤال شد که فرمودند «رنگ سفید محاسن را تغییر دهید و خود را همانند یهودیان مسازید» حضرت علی علیه السلام پاسخ دادند: این سخن را رسول خدا صلی الله علیه و آله زمانی فرمودند که مسلمین اندک بودند اما اکنون دایره اسلام وسعت یافته و دین استقرار یافته پس هرکس به اختیار خود است که انجام دهد یا ندهد.^(۲)

۱- صدوق - عبرن الاخبار الرضاج ۱ / ۸۷ (تهران - انتشارات جهان - تصحیح سید مهدی حسینی لاجوردی).

۲- نهج البلاغه - کلمات قصار / ۱۷.

حال آنکه بی توجهی به این عامل موجب انحطاط علمی و توهم نقصان شریعت در برابر پدیده‌های نوین می‌گردد فی‌المثل در روزنامه الرأی العام چاپ دمشق در استفتاء از چهارده تن از علمای نجد از آن جمله «محمد بن عبداللطیف» و «سعد بن عتیق»... در باب موضوع تلگراف و موضوعات دیگر می‌نویسد «در موضوع تلگراف باید گفت که امری ^{جدید} است و در آخر زمان پدید آمده است و حقیقت حکم آن را نمی‌دانیم و از دانشمندان گذشته نیز احدی راجع به آن اشاره‌ای ندارد لذا در بیان حکم آن توقف نموده چیزی نمی‌گوئیم.»^(۱)

باید گفت: توجه به یافته‌های قطعی علوم تجربی در تفسیر بر مبانی همین محور توجه می‌گردد.^(۲)

بنابراین توجه به عنصر «زمان» و «مکان» در استنباط فهم از قرآن ما را به مبنای دیگری رهنمون می‌شود که آن استنباط فروع از اصول است که در ذیل بدان می‌پردازیم.

۴) رعایت اصول و فروع در فهم قرآن: قرآن «تبیان کل شیئی» است البته نه به این معنا که تمامی علوم و پدیده‌ها در قرآن آمده - آنگونه که بعضی گمان کردند^(۳) - بلکه جامع نیازهای هدایتی است. از سوی دیگر اینگونه نیست که از ظواهر قرآن و سنت بتوان تمام مسائل مورد نیاز هدایت و فلاح را بدست آورد چرا که قرآن فقط به خطوط کلی مسائل پرداخته و خطوط جزئی را به سنت و استنباط از این اصول کلی محول نموده بعنوان مثال تعداد رکعات نماز، مسائل مربوط به عقد و پیمان... فقط خطوط کلی آن در قرآن آمده است و با توجه به همین اصل است که از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمودند: «انما علينا ان نلقى اليكم الاصول و عليكم التفريع»^(۴) بر عهده ما است که اصول و کلیات را به شما القاء کنیم و بر شماست که حکم فروع آن را در یابید» در این روایت القاء خطوط کلی و اصول را

۱- امین - سید محسن - کشف الارتیاب - ترجمه تحت عنوان وهابی‌ها سید ابراهیم، سید علوی - نقل از رأی العام، شماره / ۴۰۶ - ذیقعدہ / ۱۳۴۵.

۲- ایازی - سید محمد علی - قرآن و تفسیر عصری صفحه ۱۰۹ به بعد.

۳- رک الاتقان ج ۲ / صفحه ۳۹۶ تا ۴۰۹.

۴- حر عاملی - الفصول المهمه / ۷۰ - فصلنامه صحیفه مبین ش ۱ بهار ۷۸ - شاکر - محمد کاظم - مقاله: در طریق استنباط از قرآن / ۲۱.

بر عهده عترت و سنت گذاشته و وظیفه مجتهدان هر عصر را «تفریع» و «استنباط» قرار داده است. بعضی از قرآن پژوهان به این مسئله تحت عنوان «ضابطه تأویل» اشاره کردند و مثالهایی آورده‌اند فی المثل درباره آیه «وانفقوا فی السبیل اللہ ولاتلقوا بایدیکم الی التهلکة» (بقره / ۱۹۵) «آیت اللہ معرفت» به استنباط مسئله اخذ مالیات دولت اسلامی از این آیه پرداخته است ایشان اشاره می‌کند که اگر چه آیه درباره کمک در امر جهاد است اما مفهوم سبیل اللہ مطلق اعلاء کلمه دین و تحکیم کلمه اللہ در زمین است بنابراین مالیات حکومت اسلامی جهت رفع مشکلات و نهایتاً تثبیت حکومت اسلامی است که حضور آن به اعتلای معارف دینی منجر می‌گردد^(۱)

بنابراین بجای آنکه هر مسئله نوی را با تازیانه «بدعت» از خود دور کنیم باید به کشف راه صحیح استنباط آن از دامن پر فیض قرآن و سنت بپردازیم.

«منابع تفسیری»

در این بحث^۱ آبخورهای تفسیری مفسران نظری می‌افکنیم البته منظور ما کتب علوم قرآن، ادبیات عرب، فلسفه و منطق و تاریخ... که قبلاً اشاره کردیم نیست بلکه منابع اولیه تفسیری را مورد توجه قرار خواهیم داد.

(۱) قرآن:

با توجه به آن که قرآن خود را «نور» و «تبیان کل شیئی» معرفی کرده نمی‌توان پذیرفت که این پرتوهای نورانی به تبیین الفاظ خود نپردازد از این روست که از دیر باز مهمترین منبع مفسران در تفسیر قرآن خود این کتاب الهی بوده است اگر چه عده‌ای هرگونه برداشتی از قرآن را منوط به روایت و اثر دانستند^(۲) لیکن این سخن قابل قبول نیست چرا که حجیت بیان پیغمبر اکرم ﷺ و امامان اهل بیت^{علیهم‌السلام} را نیز باید از قرآن بدست آورد پس چگونه حجیت دلالت و فهم قرآن متوقف بر بیان ایشان باشد البته این بدان معنا نیست که پیامبر و اهل بیت عهده دار تبیین معارف نبودند چرا که این سمت را خود قرآن بر اساس آیات (۴۱ / نحل) - (۷ / حشر) - (۶۴ / نساء) - (۲ / جمعه) به پیامبر داده است

۱- معرفت - محمد هادی - التفسیر المفسرون ج ۱ / ۲۳.

۲- اهل حدیث و اخباریه از این دسته‌اند که بعداً با آنها بیشتر آشنا خواهیم شد.

و اهل بیت نیز بر اساس حدیث متواتر «ثقلین» در این سمت قرار گرفتند.^(۱)

تفسیر قرآن به قرآن در معرض یک آسیب جدی تحت عنوان «ضرب القرآن با القرآن» است امام صادق علیه السلام بر این آسیب اشاره کرده و عامل آنرا کافر معرفی کرد ایشان فرمودند: «ما ضرب رجل القرآن بعضه ببعض الا کفر»^(۲) ضارب قرآن به قرآن هماهنگی آیات را بر هم می‌زند و بدون توجه به ارتباط میان آیات ناسخ و منسوخ، عام و خاص، مطلق و مقید، به تفسیر قرآن می‌پردازد و از این روست که مصداق تفسیر به رأی می‌گردد^(۳) امام صادق در تفسیر آیه (۱۳) سوره مائده می‌فرماید: «قال الله سبحانه: «و نسوا حظا مما ذكروا به ولا تزال تطلع على خائنه منهم» و ذالك انهم ضربوا بعض القرآن ببعض و احتجوا بالمنسوخ و هم يظنون انه الناسخ و احتجوا باول الایه و تركوا السبب فی تأویلها و لم ينظروا الی ما يفتح الکلام و الی ما یختمه و لم يعرفوا موارد و مصادره اذ لم يأخذوا عن اهلہ فضلوا و اضلوا».^(۴)

۲) سنت:

گفتیم که خداوند وظیفه تبیین آیات خویش را به عهده پیامبر گذاشته و پیامبر نیز تبیین بیشتر و ارائه جزئیات افزونتر را با توجه به نیاز زمان به عهده معصومین قرار داده است بنابراین قرآن خود حجیت این سخنان را ثابت کرده است. سنت در ارائه مفاهیم قرآن کارکردهای گوناگونی را بر عهده گرفته و بیان نموده از جمله آنان،

الف) تفسیر و تبیین قرآن:

از رسول گرامی در مورد آیه شریفه فمن «فمن یرد الله ان یمدیه شرح صدره للاسلام» (انعام / ۱۲۵)

۱- قرآن در اسلام ۳۱ تا ۳۳.

۲- بحارالانوار ج ۸۹ / ۳۹.

۳- تفسیر موضوعی قرآن کریم ج ۱ / ۳۹۶.

۴- المیزان ج ۳ / ۹۴ - ۹۵.

سؤال شد که: یا رسول الله چگونه سینه‌اش را فراخ گرداند؟ فرمود نوری می‌افکند پس بوسیله آن بازو فراخ می‌گردد. گفتند آیا این را نشانه‌ای هست که به آن شناخته شود؟ فرمود روی آوردن به سرای جاودانی و دل کردن از دنیای فریبنده و مهیای مرگ شدن پیش از فرا رسیدن آن.^(۱)

«سیوطی» از «ابوالطفیل» نقل می‌کند که گفت: «دیدم علی رضی الله عنه سخنرانی می‌کند و می‌گوید: «از من بپرسید پس به خدا سوگند که چیزی از من نپرسید مگر اینکه به شما خبر دهم و از من درباره کتاب خدا سؤال کنید که به خدا سوگند هیچ آیه‌ای نیست مگر اینکه من می‌دانم در شب نازل شده یا روز، آیا در دشت فرود آمده یا در کوه؟» و نیز سیوطی از قول ابن مسعود نقل می‌کند که گفت: «همانا قرآن بر هفت حرف نازل شده و هیچ حرف آن نیست مگر اینکه ظاهر و باطنی دارد و بدرستیکه علی بن ابیطالب علم ظاهر و باطن را دارد.»

(ب) آموزش روش تفسیر بر مردم:

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و امامان معصوم علیهم السلام در داوریه‌ها و احتجاج‌ها و در پاسخ پرسشهای تفسیری آیات قرآن را به یکدیگر ارجاع می‌دادند و از این طریق آیات مورد نظر خود را تفسیر می‌کردند چنانکه امیرالمؤمنین رضی الله عنه از جمع بین آیه کریمه «الوالدات یرضعن اولادهن حولین کاملین» (بقره / ۲۳۳) و آیه «.....حمله و فصاله ثلاثون شهرا» (احقاف / ۱۵) استفاده کردند که از نظر قرآن کریم حداقل دوران بارداری بانوان شش ماه است و بر این اساس حکم رجم را از شخصی که بر اثر اتهام به بزهکاری به آن محکوم شده بود برداشتند^(۲).

و نیز امام جواد رضی الله عنه با ضمیمه کردن آیه شریفه «ان المساجد لله...» (سوره جن / ۱۸) به آیه «السارق والسارقه فاقطعوا ایدیهم...» (مائد / ۳۸) حد سارق را قطع انگشتان دست دانستند^(۳) در حالیکه خوارج ظاهرگرای افراطی با استناد به ظاهر آیه «السارق و السارقه» معتقد بودند دست دزد باید از

۱- الاتقان ج ۲ نوع ۸۰ صفحه ۶۰۸-۶۰۹.

۲- بحارالانوار ج ۴۰ صفحه ۲۴۳ و ۳۷۲ رک تفسیر تسنیم ج ۱ / ۶۹.

۳- السلمی - محمد بن مسعود - تفسیر عیاشی ج ۱ / ۳۴۸ - ۳۴۹ - رک تفسیر تسنیم صفحه ۶۹ ج ۱.

شانه قطع شود زیرا بر همه آنان «ید» اطلاق می‌شود^(۱) علاوه بر تفسیر آنان سعی بر آن داشته‌اند که تفکر اصحاب و یاران را از لایه‌های آغازین کتاب بسوی لایه‌های ژرف‌تر و بطون آیات، راهیابی نمایند. احادیثی که در خصوص ظهر و بطن داشتن قرآن از رسول اکرم و ائمه طاهرين علیهم‌السلام رسیده^(۲) نشان‌تأکید آنان بر این مسئله است.

از «امام باقر علیه‌السلام سؤال شد که منظور از این بیان که قرآن ظاهری دارد و باطنی چیست؟ فرمودند: «ظهره تنزیله و بطنه تأویله منه ما مضی و منه مالم یجئ بعد یجئ کما تجری الشمس و القمر لکل ما جاء منه شیئی و قد قال الله تعالی «و ما یعلم تأویله الا الله و الراسخون فی العلم».^(۳) فی المثل در آیه «فلینظر الانسان الی طعامه» (عبس / ۲۴) معنی ظاهری آن اینست که انسان به غذای خود نظر کند که از کجا و چگونه بدست آمده اما از «زید شحام» نقل شده که از امام صادق پرسید: «ما طعامه؟ قال: علمه الذی یاخذہ، عمن یاخذہ»^(۴)

تأویل میزان در آیه «واقیموا الوزن بالقسط ولا تخسروا المیزان» (رحمان / ۹) به «امام عادل» توسط امام صادق علیه‌السلام نمونه‌ای دیگر از این مسئله است^(۵).

در استفاده از سنت نکات زیر باید توجه شود:

- * فهم قرآن با قرآن بر فهم قرآن با روایت مقدم است چرا که روایت جعلی یا غیر جعلی، تقیه‌ای و غیر تقیه‌ای دارد لذا سند و جهت صدور و دلالت آنها باید با قرآن سنجیده شود^(۶).
- * روایت را نیز بمانند آیات باید با نگرش جامع مورد بررسی قرارداد چرا که روایات نیز بسان آیات دارای محکم و متشابه و ظاهر و باطن و تأویل و تنزیل است بنابراین بسان قرآن باید متشابهات

۱- تفسیر تسنیم ج ۱ / ۶۹.

۲- ر.ک الاتقان ج ۲ نوع ۸۰ صفحه.

۳- تفسیر عیاشی ج ۱ / ۱۱.

۴- اصول کافی ج ۱ - کتاب فضل العلم - باب النوادر صفحه ۱۰۱ - بحارالانوار ج ۲ / ۹۷.

۵- استر ابادی - سید شرف الدین - تأویل الایات الطاهره / ۶۱۳.

۶- تفسیر موضوعی قرآن کریم ج ۱ / ۳۹۰ - ۳۹۱ و ر.ک: تفسیر تسنیم ج ۱ / ۷۶ تا ۸۳.

آنها به محکومات برگرداند ظاهر قرآن را با ظاهر روایات و باطن آنها با روایات مربوط به باطن تبیین کرد. «ابن بابویه» نقل می‌کند که: «ابو بصیر به امام صادق عرض کرد: آیا مؤمنین در قیامت ذات اقدس الله را می‌بینند؟ حضرت فرمود: آری قبل از دنیا هم او را دیدند آنگاه با درنگ فرمود: مگر تو خدا را نمی‌بینی؟ سپس ابو بصیر پرسید آیا این حدیث را از قول شما نقل کنم؟ حضرت صادق علیه السلام فرمودند نقل نکن چون وقتی برای توده مردم بگویی که خدا قابل دیدن است با همین ظاهر رؤیت را می‌گیرند که البته درست نیست و یا سخن مرارد می‌کنند که این هم اشکال دیگری دارد این حدیث را تنها به تو گفتم» (۱).

و در حدیث دیگر از امام رضا علیه السلام ذیل آیه «لا تدركه الابصار وهو يدرك الابصار» (انعام / ۱۰۳) نقل شده که می‌فرماید: «نه تنها خدا را نمی‌توان با چشم دید بلکه با عقل نیز نمی‌توان به وجود او پی برد و او را فرا گرفت» (۲).

* ظواهر روایات در موضوع احکام حجت است اما در معارف نظیر، لوح، عرش، ملک... ظواهر حجت نیست مگر آنکه سه شرط داشته باشد.

الف) قطعی ^{تطبیعی} السند باشد (ب) جهت صدور روایت برای بیان معارف واقعی قطعی باشد نه از روی تقیه و مانند آن. (ج) دلالتش نص باشد نه ظاهر در این سه صورت است که می‌توان بطور جزم بگوییم نظر اسلام درباره این موضوع این است و الا فقط در حد احتمال ظنی صحیح است چون ادله حجیت خبر واحد مربوط به احکام عملی است (۳).

اما درباره روایات صحابه و تابعین میان مکتب خلفاء و اهل بیت علیهم السلام اختلاف نظر وجود دارد اهل بیت امامان را معصوم می‌دانند از این رو کلام آنها را حجت شرعی و منبع استنباط احکام و حکم شریعت می‌داند اما در مکتب خلفاء روایات صحابه و مکتب تابعین بیشتر به دیده پذیرش نگرسته می‌شود و با توجه به نظریه «عدالت صحابه» مقبولیت خاصی نزد آنان دارد عسقلانی در کتاب خود

۱- توحید صدوق صفحه ۱۱۷ باب ما جاء فی الرویه، حدیث ۲۰ - تفسیر موضوعی قرآن کریم ج ۱ / ۴۱۳ - ۴۱۴.

۲- پیشین صفحه ۱۱۲ - حدیث ۱۱ - تفسیر موضوعی... / ۴۱۴.

۳- تفسیر موضوعی... ج ۱ / ۳۹۱ - ۳۹۲.

در این باره آورده است که «اتفق اهل السنه على ان الجميع عدول و لم يخالف في ذلك الأشوذ من المتبدعه»^(۱) اما این نظریه به طور مطلق در میان اهل سنت پذیرفته نشده و نقض و ابرامها و تفصیلاتی بر آن وارد شده است^(۲).

لیکن از نظرگاه مفسران مکتب اهل بیت علیهم السلام برداشتها و روایات تفسیری آنان به صرف صحابی و تابعی بودن حجیت مطلق ندارد چون بر اساس آیه «انا انزلنا الیک الذکر» (نحل / ۴۴) و «حدیث ثقلین» تنها سخن پیامبر صلی الله علیه و آله و معصومین علیهم السلام حجیت مطلق دارد و اینچنین ترجیحی درباره قول صحابه و تابعین وارد نشده و استناد به آیه «فاسألوا اهل الذکر ان کنتم لاتعلمون» (نحل / ۴۳) نیز حجیتی به نظر صحابه و تابعین نمی دهد چرا که این آیه بطور مطلق نظر به رجوع جاهل به عالم دارد و به طایفه خاصی اختصاص ندارد^(۳) اما آنچه از صحابی و تابعین مربوط به شأن و نزول و تفسیر لغوی آیات است از آنجا که آنان قریب به عصر نزول بدون واسطه و یا با واسطه بودند دارای ارزش و استناد است اما نقل آنان از پیامبر صلی الله علیه و آله در صورت اطمینان به این صدور از طریق بیان یا محفوف بودن این بیان به قراین قطعیه نیز دارای حجیت خواهد بود^(۴).

۳) عقل:

سومین منبع در تفسیر آیات و حیانی عقل و تفکر است. در بحث انتظار قرآن از مخاطب بر اهمیت و تأکید قرآن بر این مسئله سخن راندیم و در این بحث به کارکرد عقل در فرایند تفسیر نظر خواهیم افکند اهمیت این بحث بیشتر در آنست که عده ای هرگونه تفسیر عقلانی و اجتهادی را رد کرده و بر تفسیر نقلی جمود و اصرار ورزیده اند اما نه آنها عقل را شناخته اند و نه نوع نیاز تفسیر قرآن به معارف عقلانی را درک کردند از این رو ظن و قیاس و حدس را عقل پنداشتند و با دلایل محکم

۱- عسقلانی - ابن حجر - الاصابه فی معرفه الصحابه ۱ / ۱۷.

۲- ر.ک. به: صفحه ۱۳۳ همین نوشتار.

۳- المیزان - ج ۱۲ ذیل آیه ۴۳ و ۴۴ نحل.

۴- ر.ک. پیشین و ر.ک. التفسیر المفسرون، معرفت ج ۱ / ۲۹۷ - ۳۰۷ و ۴۲۳ - ۴۳۲ - و تفسیر و تسنیم ج ۱ / ۲۳۲ -

آیات و روایات - به گمان خویش - به رد آن پرداختند.

در باب حجیت و اعتبار عقل، هم مدلول آياتی از قرآن که پیشتر بیان شده به اثبات آن می‌پردازد و هم روایات ائمه طاهرین علیهم‌السلام بر آن تأکید می‌ورزد از جمله آنها روایت معروف امام «موسی بن جعفر» به «هشام بن حکم» است که: «یا هشام ان لله علی الناس حجیتین، حجه ظاهره و حجه باطنه فا ما الظاهره فا الرسل و الانبیاء و الائمه، واما الباطنه فا العقول» اما اینکه عقل در ساحت فهم معارف دینی بطور کلی و تفسیر قرآن بطور ویژه چه نقشی را بر عهده دارد بسیار با اهمیت است عقل بسان میزان، مفتاح و مصباحی، روشنگر راه مفسر در فهم صحیح از دین است^(۱) لازم به تذکر است که آنگاه که سخن از نقش عقل در فهم معارف دینی می‌کنیم مراد ما فهم تمامی معارف دینی بوسیله آن نیست بلکه در محدوده‌ای که توان و شایستگی دخالت عقل وجود دارد به بررسی این نقش می‌پردازیم از سوی دیگر عقلی را می‌توان در فهم معارف دینی دخیل دانست که برهانی باشد یعنی از مغالطه، وهم و تخیل مصون نگه داشته شده باشد که در غیر این صورت بی‌ارزش خواهد بود^(۲).

اما در بیان محورهای مذکور در نقش عقل باید گفت که اولاً عقل اصل نیازمندی بشر به دین را می‌فهمد و ثانیاً در تعارض بدوی میان آیات و روایات میزان بسیار قوی است فی المثل اگر ظاهر آیه‌ای از قرآن دلالت بر صدور گناه از پیامبر نماید چون عقل صدور گناه از پیامبر را محال می‌داند به این نکته حکم می‌کند که در اینجا ظواهر قرآن نیست و اما در بررسی مراد الهی از آیه با چراغ عقل و بهره‌وری از روایات و دیگر آیات به پیش می‌رود تا به فهم این مسئله نائل می‌گردد همین گونه است نقش عقل درباره آیاتی که از صفات خبری خداوند، مسئله رؤیت ص سخن می‌گویند.

بررسی مقایسه‌ای بین فرقه‌های عقل‌پذیر و عقل‌گریز بطور واضحی نقش عقل در فهم معارف دینی را روشن می‌کند چرا که آنان در تحلیل بسیاری از روایات و آیات گرفتار تنگ نظری، سطحی نگری و جمود شدند و نتوانستند نگرشی ژرف به آیات و روایات داشته باشند از این رو سخیفترین اعتقادات را پیدا کردند.

والسلام

۱- تفسیر مزرعی قرآن کریم ج ۱ / ۴۴۸.

۲- تفسیر تسنیم ج ۱ / ۱۶۹ - ۱۷۰.